

تبعیت در وطن

تبعیت در وطن

مسأله ۵۴۷) تبعیت در وطن نیز همانند خود وطن، امری عرفی است؛ یعنی در نظر عرف فرزندی که با پدر و مادر یا یکی از آن دو زندگی می کند تابع آنها محسوب می شود و وطن آنها، وطن او نیز می باشد.

مسأله ۵۴۸) تبعیت در وطن، در مورد وطن اتخاذی است، نه وطن اصلی. بنابراین اگر به عنوان مثال فردی در ابتدای زندگی در مکانی رشد و نمو کرده و دوران کودکی و نوجوانی را در آنجا گذرانده، آنجا وطن اصلی او است، خواه وطن والدینش باشد یا نباشد.

مسأله ۵۴۹) اگر فرزند در وطن پدر و مادر (چه وطن اصلی یا اتخاذی) به اندازه ای زندگی نکرده که وطن اصلی او شود؛ مانند اینکه بعد از تولد به دلیلی از پدر و مادر دور شده و در مکان دیگری رشد و نمو یافته است و مثلاً بعد از ده سال نزد والدینش برگشته باشد، در این صورت وطن والدین وطن اصلی او محسوب نمی شود، اما بعد از برگشتن به تبع زندگی با آنها، وطن اتخاذی او می شود.

مسأله ۵۵۰) تبعیت در وطن، اختصاص به فرزند ندارد و عرفاً شامل هر کسی که تابع دیگری باشد نیز می شود، مانند خدمتکاری که استخدام شده تا همیشه همراه فردی باشد یا همسری که شرط توطن در محل خاصی نکرده و همواره با شوهرش زندگی می کند.

مسأله ۵۵۱) در تحقق وطن، لازم نیست تابع قصد توطن کند، بلکه صرف همراهی او با متبوع کافی است، هر چند غافل باشد، مشروط بر اینکه قصد عدم توطن یا اعراض نکرده باشد.

مسأله ۵۵۲) فرزند بالغ؛ مانند دختر یازده دوازده ساله یا پسر شانزده هفده ساله که از قصد توطن غافل است و همراه پدر و مادر به شهری که آنها قصد توطن کرده اند، می رود، آنجا برای او هم وطن می باشد.

مسأله ۵۵۳) اگر فرزند همراه والدین به محلی برود که آنها قصد توطن دارند، در صورتی که او قصد عدم توطن داشته باشد، آن مکان برای او وطن محسوب نمی شود؛ هر چند نان خور والدین محسوب شود.

مسأله ۵۵۴) فرزندی که به تبع والدین در مکانی قصد توطن کرده، اگر بعد از مدتی (مثلاً یکی دو ماه) از قصدش برگردد تا زمانی که از آن مکان خارج نشده، اعراض محقق نشده و نمازش تمام است.